

# ضرورت سواد رسانه‌ای برای معلمان

زهرة كرمى

مدرس دانشگاه فرهنگیان استان همدان

آن‌ها به کتاب‌های درسی، ژرف و عمیق نیست. در یک جمله، کل کتاب را مردود می‌دانستند. در هر جلسه با این سؤال مواجه می‌شدم که چرا ما باید کتاب را تحلیل کنیم. ما که چند سال دیگر بازنشسته‌ایم، چرا باید این کار را انجام دهیم و ده‌ها سؤال مایوس‌کننده دیگر.

آن‌ها باید در طول یک نیم‌سال تکنیک‌های تحلیل محتوا را یاد می‌گرفتند و پژوهشی در آن زمینه انجام می‌دادند، ولی به سبب ضعف سواد رسانه‌ای، این هدف به خوبی محقق نشد. چرا که در ابتدا آن‌ها باید نسبت به موضوع دید انتقادی پیدا می‌کردند، باید به متن‌ها، تصویرها و فعالیت‌های کتاب‌ها به صورت تحلیلی و انتقادی نگاه می‌کردند، باید در اینترنت پژوهش‌های انجام شده پیرامون کتاب‌ها را مرور می‌کردند و... بنابراین در آن کلاس، ضعف معلمان در سواد رسانه‌ای مانع دستیابی کامل ما به هدف درس شد. معلمان باید تحلیل‌گران و پژوهشگران کتاب‌های درسی باشند و سواد رسانه‌ای در این زمینه مقدمات را برای انجام پژوهش فراهم می‌آورد. متأسفانه پژوهش‌های اندکی در زمینه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی وجود دارند که توسط معلمان انجام شده‌اند. شاید این مشکل نیز با ضعف سواد رسانه‌ای در ارتباط باشد. معلمان با پژوهش پیرامون تحلیل محتوای کتاب‌های درسی به راحتی می‌توانند بسیاری از ضعف‌های کتاب درسی را به مؤلفان گوشزد کنند.

یکی دیگر از ضعف‌هایی که به سواد رسانه‌ای مرتبط است و در جریان کار با معلمان بارها شاهد آن بوده‌ام، ناآشنایی بعضی از آن‌ها با طرز استفاده درست از منابع اطلاعاتی و پایگاه‌های اطلاعاتی است. اغلب آنان منابع معتبر را به درستی نمی‌شناختند و با شیوه ارجاع‌دهی ناآشنایی نداشتند. برای مثال، قرار بود پیشینه پژوهش خود را جمع‌آوری کنند. بعد از جست‌وجو در اینترنت، منابع غیرمعتبری مثل گفت‌وگوهای غیررسمی و محتوای وبلاگ‌ها را به عنوان پیشینه مورد استفاده قرار داده بودند. درس دیگری را به نام «طراحی مسائل یادگیری»، چند سالی است به معلمان تدریس می‌کنم. آن‌ها در این درس باید در پژوهش‌های «معلم‌محور» مثل اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی درگیر شوند. در اینجا هم با مسائل زیادی مواجه بودم که فکر می‌کنم همه آن‌ها به ضعف سواد رسانه‌ای معلمان برمی‌گشت. در هر صورت سعی می‌کردم با آموزش‌های جداگانه این مشکل را برطرف سازم

امروزه انفجار دانش و اطلاعات، ضرورت و اهمیت سواد رسانه‌ای را بیش از پیش آشکار کرده است. هر روزه موج عظیم دانش و اطلاعات از طریق رسانه‌های گوناگون مثل مجله، روزنامه، تلویزیون و اینترنت با سرعت بسیار زیاد به سوی ما روان می‌شود و اگر سواد



رسانه‌ای نداشته باشیم، در این موج عظیم دانش و اطلاعات غرق خواهیم شد. همه رسانه‌ها حاوی پیام‌هایی هستند و هر کدام به شکلی پیامشان را منتقل می‌کنند، ولی ما نباید تنها دریافت‌کنندگان انفعالی پیام‌های آن‌ها باشیم. اگر سواد رسانه‌ای داشته باشیم، دریافت‌کننده انفعالی پیام‌های آن‌ها نخواهیم شد. سواد رسانه‌ای به ما کمک می‌کند که با داشتن اطلاعات و آگاهی‌های لازم در زمینه پیام‌های رسانه‌ای، تحت تأثیر ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های خاص رسانه‌ای قرار نگیریم. معلم دارای سواد رسانه‌ای همواره می‌کوشد در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی مطلوب گام بردارد و عکس‌العمل خود را در برابر رسانه‌ها اعلام کند. او تنها بیننده صرف رسانه نیست، بلکه نگاهی دقیق، عمیق و منتقدانه به رسانه دارد. با بینش و آگاهی لازم به تولید و تفسیر پیام‌ها می‌پردازد، از اهداف رسانه‌ها، آگاه است و از آن‌ها به صورت مناسب استفاده می‌کند. پیام‌های ضمنی را کشف می‌کند و با حساسیت تمام دست به گزینش می‌زند.

چگونه سواد رسانه‌ای می‌تواند با پژوهش معلمان ارتباط داشته باشد و چگونه می‌تواند پیش‌بایسته‌ای برای تربیت معلمان پژوهشگر باشد. قبل از پرداختن به این موضوع، بهتر است به برخی تجربیاتی که حاکی از ضعف معلمان در سواد رسانه‌ای است، اشاره کنم. اینکه می‌گویم برخی از معلمان ما سواد رسانه‌ای مطلوبی ندارند، حاصل تجربه تقریباً ده ساله‌ای است که در کار با معلمان دارم. در یک نیم‌سال، درس «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی» را به معلمان تدریس می‌کردم. از ابتدای نیم‌سال، هر بار اهمیت تحلیل محتوای کتاب‌های درسی را برای معلمان توضیح می‌دادم، انگیزه‌ای در آن‌ها برای انجام این کار نمی‌دیدم. همواره احساس می‌کردم نگاه

ولی به علت زمان کم، کار بسیار مشکلی بود و از هدف اصلی باز می‌ماندیم. البته آن‌ها بعد از پایان نیم‌سال، احساس خیلی خوبی داشتند و می‌گفتند ما پژوهشگر شده‌ایم، ولی برخی‌شان با تصورات ذهنی من فرسنگ‌ها فاصله داشتند. در خصوص نقش سواد رسانه‌ای در پژوهش، بهتر است ابتدا به مزیت‌های سواد رسانه‌ای اشاره کنیم. یکی از مزایای آموزش سواد رسانه‌ای به مخاطبان این است که سبب می‌شود درباره آنچه می‌خوانند، می‌بینند و می‌شنوند، سؤالات اساسی بپرسند (شکرخواه، ۱۳۸۵). پژوهش با سؤال آغاز می‌شود و برای اینکه سؤالاتی در ذهن معلمان ایجاد شود، آن‌ها باید قبل از هر چیز، سواد رسانه‌ای داشته باشند تا دریافت‌کننده غیرفعال اطلاعات نباشند، بلکه سؤال در ذهن آن‌ها ایجاد شود و برای یافتن پاسخ سؤال، دست به پژوهش بزنند.

یکی دیگر از مزیت‌های آموزش سواد رسانه‌ای به مخاطبان این است که سبب می‌شود با محتوای رسانه‌ها برخورد منتقدانه داشته باشند (شکرخواه، ۱۳۸۵). برخورد منتقدانه، زمینه پژوهش‌های تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان را فراهم می‌سازد. معلم اگر بخواهد پژوهش کیفی انجام دهد، باید قبل از هر چیز به این مهارت‌ها مجهز شود تا بتواند در پژوهش‌های کیفی، گفتمان‌ها را تحلیل و نقد کند. معلمان ابتدا باید گفتمان

انتقادی را بیاموزند تا در سایه گفتمان انتقادی، سؤالاتی در ذهن آن‌ها ایجاد شود و بر آن اساس، دست به پژوهش بزنند. قبل از انجام هر پژوهشی لازم است معلمان از طریق یک برنامه مدون، در بحث تحلیلی و انتقادی پیرامون متون شفاهی، متون چاپی، مواد بصری، چندرسانه‌ای و... درگیر شوند. آن‌ها باید رسانه‌ها را موشکافانه بررسی کنند.

هر ساله رسانه‌های متفاوتی از جمله کتاب‌های درسی و غیردرسی، فیلم و چندرسانه‌ای‌ها تهیه و روانه بازار می‌شوند. اگر معلمی سواد رسانه‌ای داشته باشد، به همه این‌ها با دید انتقادی و موشکافانه نگاه می‌کند. این نگاه به او کمک می‌کند که در مورد آن‌ها پژوهش کند و محتوای آن‌ها را به‌طور عمیق و دقیق بررسی و تحلیل کند. معلم با پژوهش درباره رسانه‌ها و تحلیل آن‌ها، رسانه‌های مفید و مؤثر را شناسایی و به دیگران معرفی می‌کند و آن‌ها را از تأثیرات مخرب رسانه‌ها آگاه می‌سازد. هر روز موج عظیمی از بازی‌های رایانه‌ای وارد بازار می‌شوند و دانش‌آموزان هم بدون تأمل، آن‌ها را می‌خرند و استفاده می‌کنند.

توانایی برقراری ارتباط از طریق رسانه و توانایی دستیابی به

رسانه و استفاده از آن نیز از دیگر مزیت‌های سواد رسانه‌ای است (سوزوکی، ۲۰۰۳، به نقل از نصیری و عقیلی، ۱۳۹۱). در این زمینه نیز ضعف‌های زیادی بین برخی از معلمان (مخصوصاً معلمان با سابقه) وجود دارد. وقتی فردی نتواند در محیط اینترنت جست‌وجو کند، در ارزیابی و انتخاب اطلاعات درست و معتبر ضعف داشته باشد، و نتواند از طریق اینترنت ارتباط بگیرد، بدون شک در انجام پژوهش نیز ضعف خواهد داشت؛ چرا که این موارد از ابزارهای لازم برای پژوهش هستند. من در کلاس‌هایم همواره از معلمان خواسته‌ام در صورت داشتن اشکالاتی در زمینه پژوهش خود، از طریق ایمیل با من تماس بگیرند، ولی متأسفانه در هر نیم‌سال فقط یک یا دو نفر این کار را انجام می‌دهند و بقیه ایمیل ندارند. برخی نیز از طریق ایمیل دیگران سؤالاتشان را مطرح می‌کنند.

همه موارد بالا فقط بخشی از مشکلاتی هستند که ممکن است به علت ضعف سواد رسانه‌ای رخ دهند. از آنجا که یکی از دلایل ضعف معلمان و رغبت نداشتن آن‌ها به انجام پژوهش، به ضعف در سواد رسانه‌ای برمی‌گردد، بهتر است آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان، ارتقای سواد رسانه‌ای معلمان را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند و زمینه‌ای برای تربیت معلمان پژوهشگر فراهم سازند. دانشگاه فرهنگیان یک دانشگاه «تقاضامحور» است که

دو وظیفه بر عهده دارد: یکی تربیت نیروهای مورد نیاز آموزش و پرورش، و دیگری بهسازی نیروهای موجود. این دانشگاه اگر بخواهد معلمان آینده به سرنوشت معلمان امروز دچار نشوند، لازم است با برنامه‌ای دقیق و حساب‌شده پیش برود. خوشبختانه دانشجویانی که وارد دانشگاه فرهنگیان می‌شوند، بسیار با استعداد هستند. بنابراین به راحتی می‌توان مقدمات رشد آن‌ها را فراهم ساخت؛ ولی برنامه دیگری هم برای ارتقای معلمان موجود، ضرورت دارد.

پی‌نوشت

1. Christ and Potter

منابع

۱. شکرخواه، بونس. «سواد رسانه‌ای یک مقاله عقیده‌ای». فصل‌نامه رسانه. ۱۷ (۴). ۱۳۸۵.
۲. نصیری، بهاره و سیدوحید عقیلی. «بررسی آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای کانادا و ژاپن». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. ۱۱ (۴۱). ۱۳۹۱.
۳. ارجمندی، غلامرضا. **مهارت‌های سواد رسانه‌ای** (در کتاب مهارت‌های زندگی ۱). انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران. ۱۳۸۵.
4. Christ, W. & Potter, W.J. (1998). Media literacy, media education and the academy. *Journal of Communication*, 48 (1).